

رفسنجانی و کار گزاران: خزیدن به سوی قدرت

مجموعه روندها، کشمکش های درون حکومتی تشدید شده که، اعلام حکم اعدام هاشم آغاچری، پرونده برضد عبدی و شماری از چهره های سرشناس جناح هوادار خاتمی و توطئه اعلام وضعیت فوق العاده بخشهایی از آن محسوب می گردند. در این رقابت ها، رفسنجانی و شرکاء با توسل به شیوه شناخته شده خود، یعنی زدوبند و توطئه، نقش قابل توجهی ایفا می کنند. تحرک رفسنجانی و کار گزاران سازندگی در شرایط کنونی معنایی روشن و هدفی مشخص را بازگو می کند. افشای اهداف و آماج های رفسنجانی و کار گزاران از آنجا که نیرویی مخالف آزادی و عدالت اجتماعی

ادامه در صفحه ۴

در اوضاع حساس و شرایط خطرناک حاکم بر میهن ما که، سیر شتابان رویدادها در عرصه منطقه ای و بین المللی، تاثیری ژرف و جدی بر آن باقی می گذارد. جنبش مردمی با دشواری های گوناگون رو به رو است. اقدامات سرکوبگرانه و نقشه های شوم ارتجاع بروخامت اوضاع افزوده است. به دیگر سخن، جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه مردم ایران اینک مراحل دشوار، حاد و سرنوشت سازی را پشت سر می گذارد. همین واقعیت، تجهیز و هوشیاری همه نیروهای واقعی مخالف استبداد و دیکتاتوری را ضرور ساخته و اهمیت آن را دوچندان می کند. در این میان و بر بستر این



شماره ۶۵۰، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۲ دی ماه ۱۳۸۱

**مراسم بزرگداشت
رفیق صفر قهرمانیان
در داخل و خارج از کشور**
در صفحه ۳

تأملی بر سخنان هشدار دهنده سخنگوی ارتجاع، فاکر، در زمینه پایان کار خاتمی و روند اصلاحات در ایران!

اختلاف بر سر مسایل کارگری و ضرورت ایجاد تشکل های مستقل صنفی

دامنه اختلافات حکومتیان بر سر مسایل کارگری کشور بخصوص بعد از گزارش دیدار هیئت وابسته به سازمان بین المللی کار از ایران، به نظر می رسد روز به روز بیشتر می شود و فعل و انفعالات مختلفی که در این راستا صورت می گیرد نیز ناشی از همین مساله است. البته باید متذکر شد که بروز چنین اختلافاتی نه ناشی از بررنامه ریزی به نفع کارگران و زحمتکشان که بر مبنای سیاست موج سواری بنا گردیده است. اخیرا درگیری های قلمی بین روزنامه همشهری و مهره های رژیم در خانه کارگر رخ داده که نشان دهنده این اختلافات و همچنین تحولات جامعه کارگری میهنمان است. روزنامه همشهری در تاریخ ۲۳ آذر مقاله ای را به چاپ رسانده با نام، "نگاهی به روابط خانه کارگر و حزب اسلامی کار"، که به مطلبی در روزنامه کار و کارگر اشاره دارد و در توضیح و تفسیر آن می نویسد: "در بخش اول این مطلب، حسین کمالی وزیر سابق

ادامه در صفحه ۲

آنها توافق شده است. در تأیید این ارزیابی سخنان فاکر، از منفور ترین و با نفوذ ترین مهره های جناح ذوب در ولایت، درباره آینده روند اصلاحات و وضعیت خاتمی در این زمینه بسیار افشاگر و هشدار دهنده است. فاکر در مصاحبه ای که متن آن از سوی خبرگزاری «ایسنا» مخابره شده است از جمله می گوید: «جلوگیری از نقض قانون اساسی بر عهدهی رهبری است، زیرا قبل از این کار، به تفسیر، تبیین و تحقیق موارد نقض قانون اساسی نیاز است؛ رییس جمهور فقط مسوول اجرای آن است...» فاکر در ادامه می افزاید: «مساله ای اصلی امروز جامعه اجرای قانون اساسی و اصل ۱۱۲ نیست. آقای رییس جمهور و دوستان ایشان در زمان ریاست آیت الله یزدی در قوهی قضاییه از خدمات ایشان قدردانی نکردند و حتی علیه قوهی قضاییه و شخص وی شعار دادند و آن قدر عرصه را بر مملکت تنگ کردند که آیت الله یزدی نتوانست به کار خود ادامه دهد. آیت الله هاشمی شاهرودی به لحاظ علمی به

ادامه در صفحه ۶

درگیری جناح های مختلف بر سر آینده روند اصلاحات و شکل و شیوه حکومت مداری در ایران عمیق و عمیق تر می شود. انصار ارتجاع و ولی فقیه، لوایح اختیارات ریاست جمهوری و چگونگی نظارت بر انتخابات را آخرین تیر ترکش مدافعان روند اصلاحات در مجلس می دانند و زمینه را برای سرکوب کامل این جناح آماده می کنند. مجموعه حوادث کشور در هفته های اخیر از جمله صدور حکم اعدام برای هاشم آغاچری، به دلیل زیر علامت سؤال بردن شیوه حکومتی تاریک اندیشان و استبداد مطلق ولایتی، در کنار صدور احکام جابرانه برای شخصیت های ملی - مذهبی و اخبار نگران کننده پیرامون احکام عبدی و همراهان و همچنین تشدید فعالیت ارگان های سرکوبگر و اوج گیری تشکیل و پرونده سازی های وسیع بر ضد بسیاری از شخصیت های سیاسی - اجتماعی مدافع اصلاحات و از جمله شماری از نزدیکان آقای خاتمی، رئیس جمهوری، نشان از تصمیم گیری های اساسی بی دارد که در عالی ترین مراکز تصمیم گیری رژیم ولایت فقیه بر روی

توطئه کودتا برضد رئیس جمهوری ونزوئلا

در صفحه ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

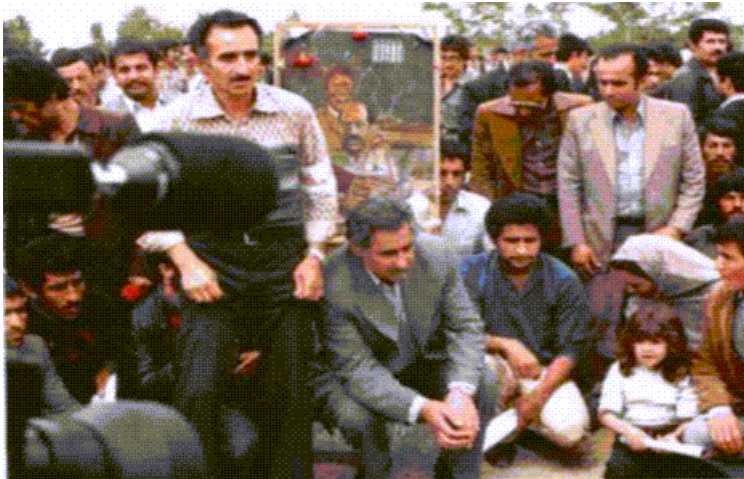
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه اختلاف بر سر مسایل کارگری ...

کار و دبیر کل سابق خانه کارگر، در مقام معاون دبیر کل حزب اسلامی کار، کارگران و تشکل های سیاسی آنان را به ضرورت حضور فعال در عرصه های سیاسی تشویق و خاطر نشان کرده بود "قشر عظیم کارگری ایران دارای دو نهاد منسجم، فعال و مستقل از یکدیگر به نام های خانه کارگر و حزب اسلامی کار هستند. "همشهری در ادامه با اشاره به سفر هیئت سازمان بین المللی کار به ایران و اینکه نمایندگان این سازمان در مصاحبه های مطبوعاتی خویش تاکید کرده بودند که اتحادیه های کارگری باید نماینده منافع کار باشند نه عهده دار مسایل و نظرات احزاب سیاسی، اتخاذ چنین موضعی از طرف خانه کارگر را قابل تامل می داند. ادامه مقاله همشهری بر این اساس استوار است که خانه کارگر يك تشکل سیاسی است و در صدد است با جایگزینی حزب اسلامی کار، انتقادهای اخیر سازمان بین المللی کار را کاهش دهد و در اثبات این امر می نویسد: "با توجه به نکته ای که سخنان آقای علیرضا محجوب ادعای آقای حسین کمالی را نقض می کند و آنجا که کمالی خانه کارگر را جدا از یکدیگر می خواند و محجوب بلافاصله از دبیران اجرایی خانه کارگر برای تبلیغ حزب اسلامی کار مدد می جوید، احتمالاً اختلافی در بین سران این دو تشکل که تقریباً یکی هستند رخ داده و این موضوع که آیا باید رسماً و با نگاهی واقع بینانه پذیرفت که خانه کارگر يك حزب به ثبت رسیده در وزارت کشور است یا نه، مورد اختلاف واقع شده است. "همشهری در ادامه با ذکر تکذیبیه های روزنامه کار و کارگر که در قالب تصحیحاتی در این روزنامه در رابطه با شایعات و انفعالات اخیر رخ داده، به موردی دیگر اشاره می کند و می نویسد: "سرحدی زاده دبیر کل حزب اسلامی کار در گفت و گویی به مناسبت برگزاری دومین کنگره این حزب، تاکید کرد که با خانه کارگر ارتباط تنگاتنگ و نزدیک دارند و بسیاری از اعضای شورای مرکزی حزب در خانه کارگر هم حضور دارند. "همشهری باز هم در دلیل سیاسی بودن خانه کارگر به مواردی اشاره می کند که از جمله آنها، گفت و گوی محجوب با روزنامه ابرار که در آن وی اعتراف کرده که خانه کارگر يك تشکل سیاسی است و انتخاب دبیر اجرایی خانه کارگر آذربایجان شرقی به عنوان عضو شورای مرکزی حزب اسلامی کار در استان ها و شهرستان های موصوف، تبلیغ حزب اسلامی کار از سوی دبیران اجرایی خانه کارگر از جمله دبیر اجرایی خانه کارگر کاشان و دعوت از کارگران برای عضویت در این حزب، اشاره می کند و می نویسد: "بسیاری از سرنخ های دیگر از این قبیل که جملگی بر سیاسی بودن خانه کارگر و هدایت حزب اسلامی کار از سوی این تشکل دلالت دارد و هنگامی که پروانه فعالیت خانه کارگر به عنوان

يك حزب در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور به ثبت رسیده قرار می گیرند، یکی بودن این دو تشکل و سیاسی بودن آنها را از ارایه هر گونه مدرک دیگری بی نیاز می سازند. اکنون این اعتراف صریح و اسناد مستقل، ضرورت خروج هر چه سریع تر تشکل های صنفی را از درون احزاب آن طور که در گزارش سازمان بین المللی کار نیز مورد تاکید قرار گرفته است، گوشزد می کند. "همشهری در پایان به این نتیجه می رسد که بحث و اختلاف نظر بین خانه کارگر و حزب اسلامی کار وجود دارد که اساس آن بر مبنای مخفی کردن و یا علنی کردن این ارتباط می باشد و با این توضیح که که در حال حاضر دیدگاه های خانه کارگر بر حزب اسلامی کار تفوق دارد آورده است: "عدم اعلام رسمی نام اعضای جدید شورای مرکزی حزب اسلامی کار که حدود يك ماه از برگزاری آن می گذرد، حکایت از برتری مواضع گروه اول بر دیدگاه های گروه دوم دارد. آیا حزب اسلامی کار با اعلام رسمی و انتشار اسامی اعضای جدید شورای مرکزی خود به این بازی با حاصل جمع صفر پایان خواهد داد؟" مقاله مذکور که در همشهری به چاپ رسیده از چند منظر قابل توجه است. یکی اینکه به دلیل اختلافات موجود دست به يك افشاکاری زده و ماهیت حزب فرمایشی اسلامی کار را مشخص کرده است. البته با توجه به آگاهی و تیز هوشی کارگران و زحمتکشان میهن، چنین ترفندهایی کارآیی خویش را از دست داده است و کارگران و زحمتکشان میهن در جستجوی راه کارهایی برای تشکل های مستقل و جوشیده از درون کارگران هستند. نکته دوم اینکه گزارش سازمان بین المللی کار این مهم را در برداشت که اصولاً تشکل مستقل کارگری در ایران وجود ندارد. روزنامه همشهری که عمدتاً حامل گرایشات کارگزاران سازندگی و تفکرات آنان می باشد، موزیانه بدون اشاره به این مهم سعی وافر دارد تا ثابت کند خانه کارگر يك تشکل سیاسی است و باید به مسایل غیر سیاسی و صرفاً صنفی بپردازد. همشهری مشخص نمی کند که آیا کارگران باید در مسایل سیاسی دخالت داشته باشند یا نه و اگر این دخالت مجاز می باشد، با توجه به اینکه از دید این روزنامه چنین امری از طرف خانه کارگر غیر قانونی می باشد، این مهم به چه صورت باید انجام بگیرد؟ ما هم همچون روزنامه همشهری اعتقاد داریم که حزب اسلامی کار زائده بی ضد کارگری وابسته به تشکل زردی همچون خانه کارگر می باشد که وظیفه مهار اعتراضات کارگری را به عهده دارد. آیا همین امر نشان نمی دهد که کارگران نیازمند اتحادیه ها و تشکل های مستقل خویش می باشند؟ آیا همشهری و تفکر حاکم بر آن نیز چنین ارزیابی را دارد؟ برای روشن شدن این موضوع به طرف دیگر قضیه نگاهی بیندازیم. حسینی وزیر جدید کار که جایگزین مهره شناخته شده رژیم یعنی کمالی گردیده است، در کنگره کانون عالی شوراهای اسلامی کار ضمن تمجید از آیین نامه ضد کارگری ماده ۱۹۱ قانون کار، گفت: "در حال حاضر کانون عالی شوراهای اسلامی کار به عنوان تشکل حایز اکثریت، مهم ترین نهاد صنفی کارگری محسوب می شود و ما امیدواریم فعالان این عرصه به توسعه این تشکل ها در جامعه کمک کنند. "(ابرار، ۲۱ آذر) لازم به تذکر است که شوراهای اسلامی کار نهادی ضد کارگری است که به وسیله حسن صادقی از مهره های شناخته شده نزدیک به رفسنجانی و کارگزاران هدایت و رهبری می شود و در گذشته سلسله اقداماتی

اعتراضاتی را زیر لوای حمایت از خواسته های صنفی کارگران به مورد اجرا گذاشته است. اختلافات اخیر خانه کارگر با وزارت کار و حمایت وزارت کار از تشکل های معلوم الحالی چون شوراهای اسلامی کار، در حالی صورت می گیرد که چندی قبل کانون عالی شوراهای اسلامی کار با صدور بیانیه ای نسبت به عملکرد وزارت کار اعتراض کرد. در آن بیانیه آمده بود: "وزارت کار و امور اجتماعی و مشخصاً اداره کل امور بین المللی طی ماه های اخیر تلاش کرده است که تشکلات کارگری را بر اساس سلیقه های آن اداره کل که نشأت گرفته از يك جریان سیاسی حاکم بر وزارتخانه می باشد، تحت نفوذ و سیطره خود درآورد. در این راستا این اداره کل با برگزاری نشست های به اصلاح سه جانبه با وجود اینکه به ظاهر تلاش می کند به کارشناسان و هیات های خارجی، دولت را به عنوان یکی از طرف های سه جانبه تفهیم کند، ولی در عمل با يك طرح از پیش طراحی شده، سعی در حذف خانه کارگر دارد و در این راستا با دعوت از برخی تشکلات در این نشست ها سعی در سلب مشروعیت از این نهاد کارگری شده است. " (ایسنا، ۲۵ آبان) اینکه از هنگام صدور آیین اطلاعیه تا مقطع سخنان اخیر صفدر حسینی چه ریزنی هایی پشت پرده در جریان بوده را آینده روشن خواهد کرد، بخصوص که اختلافات موجود و درگیری های قلمی بین خانه کارگر و روزنامه همشهری همچنان ادامه دارد که نمونه آخر آن را همشهری، ۳۰ آذر به چاپ رسانده است. اما چنین حوادثی به خوبی نشان می دهد که ادامه سیاست های اقتصادی خائنان برانداز و ضد کارگری که نتیجه آن اخراج، بیکاری و بدبختی هزاران نفر از زحمتکشان میهنمان می باشد، جزیی جدایی ناپذیر از سیاست های حکومتیان می باشد. بنابراین در این میان آن چیزی که باید از اختلافات موجود برای کارگران مورد توجه قرار گیرد این است که هوشیاری خویش را در رابطه با این تشکل های رژیم ساخته بیش از پیش افزایش دهند. همانطور که قبلاً هم گفتیم با توجه به آگاهی روزافزون کارگران میهن موفقیت چنین ترفندهایی محتمل به نظر نمی رسد اما همین امر و وجود اختلافات و افشاکاری های دو سویه حکومتیان باید لزوم ایجاد و تقویت تشکل های مستقل کارگری در مقطع حساس کنونی را برجسته کند. تشکل های حکومتی قصد دارند با استفاده از کارگران و قربانی کردن آنها، بازی قدرت خویش را برای چپاول هر چه بیشتر به پیش ببرند. نه خانه کارگر، نه شوراهای اسلامی کار، نه حزب اسلامی کار به هیچ عنوان نمایندنده کارگران و زحمتکشان میهن ما نیستند و وظیفه تمامی نیروهای سیاسی و فعالان کارگری است که در این راستا با افشاکاری های خویش و با استفاده از اختلافات این تشکل ها نسبت به افشای ماهیت آنها نزد کارگران، عرصه مانور را بر عناصر ضد کارگر هر چه بیشتر تنگ کنند.



عکس تاریخی: صفرخان در مراسم بزرگداشت رفیق خسرو روزبه - بهشت زهرا ۱۳۵۸

عمر به این اعتقادات پایبند ماند. صفرخان در تمامی دوران زندانش در این زمینه حاضر نشد قدمی کوتاه بیاورد و امروز نیز شایسته است که ما هم در این زمینه حق مطلب را ادا کنیم. می دانید که رژیم شاه در دهه ۵۰، همراه با تشدید فعالیت بین المللی برای افشای وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و جهانی شدن آوازه مقاومت صفرخان فشار زیادی را بر او وارد آورد تا با توبه و تقاضای بخشش کردن از شاه و طرد اعتقادش از زندان آزاد شود. پاسخ صفرخان همچون گذشته با قاطعیت کامل منفی بود. صفرخان بعدها در پی پیروزی انقلاب بهمین، که بر دوش خلق از زندان های ستم شاهی رها گردید با همان جسارت و در عین حال با فروتنی قابل تحسینی در باره اعتقادات خود به نسل جوان توده ای که راه او را ادامه داده بودند می گفت: "من که تمام جوانی ام را دوشادوش مبارزین راه رهایی زحمتکشانشان در صفوف فرقه دموکرات آذربایجان و حزب توده ایران گذرانده ام ارزش کار بزرگ شما را به خوبی درک می کنم و اطمینان دارم که کوشش های شما جای شایسته خود را در مبارزه نجات بخش خلقمان از قید استبداد و امپریالیسم و نیز کوشش در ساختن ایرانی آزاد و آباد موفق خواهد شد. . .".

صفرخان در سفری که به خارج داشت و چند روزی نیز میهمان من بود با همان شور و اشتیاق از مبارزه و اعتقاداتش سخن می گفت و ایمان داشت که این رژیم ستم کار نیز مانند سلف شاهنشاهی اش دوامی نخواهد داشت.

درباره محل تولد، وضعیت خانوادگی و چگونگی پیوستن صفرخان به مبارزه و سپس دستگیری و محاکمه رفیق صفر به اندازه کافی مطلب گفته و چاپ شده است که تکرار آنها در این جا ضروری نیست. صفرخان همواره در گردهمایی های رفقا و دوستان و جوانان پرشوری که دورش جمع می شدند خاطراتی از زندان را نقل می کرد. این خاطرات به خودی خود گویای روشن زندگی انسانی مقاوم و والا است که امروز دیگر در میان ما نیست. در یکی از این خاطرات صفرخان درباره فشار دژخیمان رژیم برای وادار کردن او به توبه از جمله می گفت: "در سال ۵۵ یک روز اعلام کردند که وسایلت را جمع کن و به نگهبانی برو. و بعد هم با چشم بند مرا توی ماشینی گذاشتند و بردند جای دیگری که متوجه شدم کمیته مشترک است. آنجا رسولی، یعنی همان ناصر مومنی، حسین زاده همان رضا عطاپور و سرهنگ زیبایی منتظرم بودند. بعد از یازده روز در کمیته مشترک و همه تلاش هایشان برای تطمیع و به راه آوردنم رسولی یک روز گفت: شما را به خاطر این به اینجا آوردیم که مرخص کنیم بروید. زندانیان ترا قهرمان کردند. این قهرمان را از دست آنها خواهیم گرفت. روز بعد من را به اتاق شکنجه بردند و این بار رسولی تنها نبود و حسین زاده هم آنجا بود. می خواستند بترسانم چون حسین زاده به قساوت و جنایتکاری مشهور بود. حسین زاده یکساعت با من به ترکی حرف زد و پاسخ من در مقابل پیشنهادات مختلف او "بوخ" (نه) بود. بالاخره حسین زاده بعد از یکساعت خسته و عصبانی شد و روبه رسولی گفت: "آقای رسولی فرقه و حزب توده مغز این ها را خراب کرده و شعار کارگران و دهقانان متحد شوید را با سوزن توی مغز اینها فرو برده. . .".

صفرخان در سال ۶۰ در سخنرانی که در انجمن آذربایجانی های تهران کرد در پاسخ به این سؤال که چگونه ۳۲ سال را تحمل کردی گفت: "از من خیلی پرسیده اند تو چگونه صبر و تحمل کردی و در طول ۳۲ سال که عمر یک انسان است نپوسیده ای ؟ ۳۲ سال مقاومت در سیاه چال ها و تحمل شکنجه های جسمی و روحی خیلی خیلی سخت و دشوار است. آنهایی که در فضای اختناق زده سیاه چال های شاه در اثر

دیداری دوباره با مبارزی خستگی ناپذیر و انسانی والا

گزارشی از مراسم بزرگداشت رفیق صفر قهرمانیان و سخنرانی رفیق مسعود ملکی، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در این مراسم

مراسم بزرگداشت رفیق صفر قهرمانیان در داخل و خارج از کشور برگزار شد. روز ۳۰ آذرماه، صدها تن از ایرانیان مقیم آلمان، در سالن جوانان شهر فرانکفورت گردهم آمدند تا یاد صفرخان، نماد مقاومت و مبارزه مردم میهن ما را گرامی دارند. در این مراسم فیلمی از مصاحبه صفرخان در سال های پس از انقلاب نشان داده شد که با استقبال پر شور حضار روبه رو شد. در این فیلم صفرخان با بیانی ساده از زندگی و مبارزاتش و از اینکه اولین نفری بوده است که از شیشوان به عضویت حزب توده ایران درآمده است سخن گفت. در این مراسم همچنین پیام هایی از ایران، از خانواده صفر خان، علی اشرف درویشیان، رحیم رئیس نیا، رضا براهنی و عزت الله حسینی خطاب به شرکت کنندگان قرائت شد که مورد استقبال حضار قرار گرفت.

سخنرانان مراسم راضیه شعبانی، هدایت سلطانزاده، محمد رضا شالگونگی، پرویز نویدی، بهزاد کریمی، جلیل گاردانی و رفیق مسعود ملکی، از زندانیان سیاسی دوران شاه و همزمان صفرخان بودند. متن سخنرانی رفیق مسعود ملکی به شرح زیر است.

"دوستان و رفقای عزیز!

با سلام به همه عزیزانی که در این مراسم شرکت کرده اند. اجازه دهید سخنانم را با شعری از استاد بزرگ سایه شروع کنم که می گوید:

زندگی زیباست ای زیبا پسند
زنده اندیشان به زیبایی رسند
آنقدر زیباست این بی بازگشت
کز برایش می توان از جان گذشت

گردهم آیی امروز ما نیز برای تقدیر و بزرگداشت زندگی انسانی آزاد و زنده اندیش است که به جرم پایبندی به اصول و اعتقاداتش بیش از ۳۲ سال از عمر خود را در زندان رژیم ستم شاهی به سر آورد و با مقاومت و ایستادگی در برابر شکنجه گران و گزندگان استبداد به نماد مبارزه خلق های ستمدیده ما بر ضد رژیم شاه تبدیل شد. صفرخان را همه می شناختند. چه کسانی که از نزدیک با او هم زندان بودند، چه زندانیان دیگر که آوازه مقاومت و دلاوری او را شنیده بودند و چه نسل جوانی که پس از شکست جنبش ملی در ۲۸ مرداد به صحنه مبارزه روی می آوردند. صفرخان نمونه جالب و زنده بی از مبارزه قهرمانانه بی بود که صدها زندانی سیاسی آزادی خواه در درون سیاه چال های ساواک شاهنشاهی به پیش می بردند و با فداکاری و از جان گذشتگی خود تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم میهن ما را رقم می زدند. صفرخان انسانی افتاده فروتن و بدور از فخر فروشی و خود بزرگ بینی بود. مرور و بررسی زندگی و رزم صفرخان از حوصله این فرصت کوتاه خارج است و بنابراین اجازه دهید تا به اختصار به اشاراتی در زمینه های گوناگون اکتفا کنم.

در برخی مقالات، مطالب و سخنرانی هایی که تا به امروز در گرامی داشت صفرخان ایراد شده است نکته بی که جلب توجه می کند مسکوت ماندن این مسأله است که این انسان مبارز و مقاوم به چه دلیل و با اتکا به کدام پایه های اعتقادی حاضر شد بیش از ۳۲ سال از عمر خود را در زندان های رژیم ستم شاهی سپری کند. رفیق صفر در این زمینه با هیچکس تعارفی نداشت. صفرخان به دلیل اعتقاد عمیقش به مبارزه حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان به صفوف جنبش پیوست و تا آخرین لحظات

ادامه رفسنجانی و کارگزاران ...

شناخته می شوند و تجربه یی تلخ را به خاطره ها باز می آورند، از وظایف مبرم است. این نیرو بطور عمده نماینده سرمایه داری بوروکراتیک نوین ایران است که خصلت کاملاً ضد ملی و ضد مردمی دارد و حضورش برای تأمین منافع ملی ایران خطری است جدی و بزرگ!

کارگزاران، با اشاره رفسنجانی، تحرک خود را از اوایل سال جاری خورشیدی آغاز کردند. در این خصوص عطاءالله مهاجرانی در پاسخ به این پرسش که چرا کارگزاران اکنون فعال شده اند، یادآور شد: "کارگزاران هوشمندانه تصمیم گرفتند فعال نباشند."

کارگزاران در جریان انتخابات هیئت رئیسه مجلس، در یک اقدام هدفمند و با حمایت نمایندگان جناح ذوب در ولایت، مانع از ارائه لیست واحد توسط فراکسیون جبهه دوم خرداد شد. علی هاشمی، رئیس فراکسیون کارگزاران در مجلس، که برادرزاده رفسنجانی است در این باره به صراحت عنوان کرد: "رأی به مرعشی (نماینده کارگزاران) نشانگر درخواست بخشی از مجلس برای اداره بهتر مجلس است و به فراکسیون خاصی تعلق ندارد. فکر می کردیم در جبهه دوم خرداد به تفاهم برسیم... نه تنها فراکسیون دوم خرداد به توافق نرسید، بلکه ائتلاف دو به دو گروهها هم شکل نگرفت."

با این حرکت دقیق، رفسنجانی و کارگزاران، آمادگی خود را برای نزدیکی به مدافعان ذوب در ولایت نشان دادند و دورنمای حرکت و چارچوب کلی برنامه خودشان را در آرایش سیاسی و جناح بندی های درون حکومتی ترسیم کردند. در این خصوص باید تاکید کرد، کارگزاران با توجه به شکاف رو به گسترش میان مشارکت و روحانیون مبارز، در راستای تعمیق این شکاف و تشدید اختلاف اقدام کرده و از دیگر سو همزمان کوشیده است تا شالوده های یک ائتلاف جدید با محوریت رفسنجانی را در آینده پی ریزی کند. حمایت آشکار و پنهان برخی شخصیت های شاخص کارگزاران یعنی افرادی مانند، مهاجرانی، نجفی، کرباسچی و عطریانفر از اصغرزاده برای تصدی مقام دبیر کلی حزب همبستگی و تقویت این جریان با هدف فوق صورت پذیرفت. روزنامه اعتماد در آن زمان این تغییر و تحولات را با نظر تایید مجدد رفسنجانی چنین جمع بندی کرد: "... به پایان رسیدن خواب زمستانی کارگزاران ... گویای این حقیقت است که جناح ها و گروه های درونی جبهه دوم خرداد در آستانه ورود به سومین سال فعالیت پارلمانی به مرزهای شفاف تری دست یافته اند." (!) این روزنامه سپس با تایید سیاست های کارگزاران ادامه داد: "صف آرای دو حزب سیاسی مطرح یعنی کارگزاران سازندگی و مجمع روحانیون مبارز در مقابل حزب اکثریت مجلس (مشارکت) از اهمیت زیادی برخوردار است... اگرچه برخی از نیروهای مشارکتی در مجلس، در انتخابات هیئت رئیسه سعی کردند به نوعی با همراهی کاندیداهای کارگزاران، سهمی را برای این حزب سیاسی قایل شوند تا در آینده، در انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی از نفوذ نسبی این حزب سیاسی بهره مند شوند، ولی به نظر می رسد اعضای فراکسیون های مجمع روحانیون مبارز، حزب همبستگی و جناح اقلیت (بخوان ذوب در ولایت) گروه های اصلی بودند که کارگزاران را در رقابت با مشارکت در انتخابات نواب رئیس همراهی کردند...."

در آستانه این مجموعه اقدامات در مجلس، محمد هاشمی، برادر رفسنجانی، که دبیر سیاسی این باند محسوب می شود، طی مصاحبه یی به تجزیه و تحلیل شرایط کشور و وضعیت جبهه دوم خرداد پرداخته و به زعم خود و بر خلاف واقعیت تاریخی، جبهه دوم خرداد را با جبهه ملی ایران مقاسیه کرده و حتی فروپاشی آن را پیش بینی

کرده است. محمد هاشمی با ریاکاری می گوید: "... جبهه دوم خرداد یکسال و چند ماه بعد از پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶، برای شرکت در انتخابات مجلس ششم اعلام موجودیت کرد. بسیاری از احزاب و گروههایی که برای هدف مذکور در جبهه دوم خرداد جمع شدند، از جمله حزب مشارکت که امروز خود را محور اصلی جبهه دوم خرداد می داند به قول نمایندگان بسیاری از گروههای تشکیل دهنده این جبهه، رفتاری قیم مأبانه و غیر دموکراتیک دارد، در خرداد ۷۶ وجود خارجی نداشت... حزب کارگزاران سازندگی که نقش تعیین کننده ای در پیروزی آقای خاتمی داشت، در انتخابات مجلس ششم به ویژه در تهران اختلاف جدی با فهرست ارائه شده از سوی حزب مشارکت داشت... از همان ابتدای تشکیل، آنچه به غلط و فقط به دلیل تبلیغات، جبهه دوم خرداد نامیده می شود، اختلاف جدی و اصولی در درون این جبهه وجود داشت و متأسفانه جبهه دوم خرداد، موجب اختلافات زیادی در بین نیروهای فعال در صحنه سیاسی کشور شده است... وی در پایان یادآور شد: «با این وضعیت و شرایطی که در حال حاضر در جبهه دوم خرداد وجود دارد، آیا میتوان سرانجامی بهتر از سرانجام جبهه ملی (فروپاشی) برای این جبهه پیش بینی کرد؟ مگر آن که بزرگان و عقلای این جبهه، در یک اقدام عاجل و شفاف، ردایل حاکم بر این جبهه را به فضایل مورد انتظار... تبدیل نمایند...». به این ترتیب رفسنجانی و کارگزاران با انواع توطئه ها و زدوبندهای پشت پرده در سمت ایجاد انشقاق و پراکندگی در طیف دوم خرداد برآمده و به دنبال آن در صدد ایجاد یک توازن قوای نوین در هرم حاکمیت هستند. کارگزاران از یک سو نقاط ضعف برنامه ها و سیاستهای هواداران محمد خاتمی را برجسته می کنند و از دیگر سو با تمام قوا در جهت تضعیف توانایی دولت و مجلس می کوشند و در همان حال خود را متحد دائمی در جبهه دوم خرداد وانمود می سازند.

در این زمینه، تلاش برای نشان دادن مجمع تشخیص مصلحت بر فراز قوای سه گانه و افزودن به وظایف و اختیارات آن، از اولویت های سیاست رفسنجانی و کارگزاران بوده و هست. هنگامی که طرح تدوین آیین نامه نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد و با مخالفت دولت و اکثریت نمایندگان مجلس روبه رو گردید، رفسنجانی زبان به تهدید و ارباب گشود. روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به انتقادات فراوان به این طرح که عملاً، مجمع را در ردیف قوای سه گانه کشور قرار می دهد و واحدهای موازی با مسئولیت های مشابه پدید می آورد، طی اطلاعیه یی نوشت: «متأسفانه شاهد افزایش حجم انتقادهای غیر کارشناسانه و بعضاً جناحی و احساسی علیه مجمع تشخیص مصلحت نظام به طور هماهنگ در برخی روزنامه های خاص عمدتاً به بهانه طرح تدوین آیین نامه نظارت مجمع بر حسن اجرای سیاست های کلان نظام... هستیم. طرح این گونه کلی گویی ها و وارد کردن اتهامات و بهانه جویی های غیر منصفانه و بی اساس آن هم توسط افراد شناخته شده هستیم». در همین اطلاعیه روابط عمومی با زبان تهدید آمیز انتقادکنندگان مورد حمله قرار می گیرند، باید خاطر نشان سازیم، موضع گیری اخیر آیت الله مشکینی مبنی بر اینکه مجمع تشخیص مصلحت "قوه چهارم" است، امری شگفت آور نیست، بلکه ادامه برنامه توطئه گرانه رفسنجانی با مشارکت افرادی چون مشکینی ها و جنتی ها و عسکراولادی ها در شرایط بحرانی کنونی است.

هم چنان که مشاهده می شود، رفسنجانی و کارگزاران در گام نخست از «خواب زمستانی» بیدار می شوند، در پی ایجاد تفرقه و

ادامه رفسنجانی و کارگزاران ...

پراکندگی در جبهه دوم خرداد و تلاش برای تشکیل یک ائتلاف که عمدتاً معیارهای آن در پشت پرده و دور از چشم مردم صورت می‌گیرد بر می‌آیند و از دیگر سو به آتش اختلافات دامن زده و در همان حال با معرفی خود به عنوان نیروی متعادل کننده در پی حل اختلافات و ایفای نقش حاکمیت هستند. در ظاهر از حمایت از جناح خاتمی دم می‌زنند و در خفا با تمام قوا و امکانات خود در تضعیف آن می‌کوشند. نقش کارگزاران در عدم برگزاری کنگره جبهه دوم خرداد قابل توجه بود، یکی از نمایندگان این باند هدف از به تعویق انداختن زمان برگزاری کنگره را روشن شدن سرنوشت لوایح پیشنهادی خاتمی در مجلس، عنوان کرد و افزود کنگره باید به دور از شرایط حساس سیاسی به بحث پیرامون مسائلی چون سازندگی «عمران و آبادانی کشور» پردازد!

عطربانفر از رهبران گروه کارگزاران با اشاره به همین مفهوم گفته بود: «خاتمی با ارائه این لوایح (لوایح دوگانه مجلس) دست به یک مباحثه سیاسی زده است... در صورتیکه جبهه دوم خرداد خواهان برگزاری کنگره ای موفق، فراگیر و همه جانبه با حضور فعال همه اجزا و احزاب زیر مجموعه (باشد) باید دستیابی به یک فصل مشترک و آرمان واحد را در حوزه اهداف و برنامه ها، عمده ترین ملاک و اصل لاینفک کنگره قرار دهد...». عطربانفر در ادامه همین سخنان خود اشاره کرد: «در صورتیکه لوایح به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شود، رفسنجانی از آن حمایت خواهد کرد...». کارگزاران در عین حال که در پشت پرده با مدافعان ذوب در ولایت به توطئه و زدوبند و چانه زنی مشغول هستند، در تبلیغات رسمی بر اجرای کامل قانون اساسی با فشاری می‌کنند، مهاجرانی در یک اقدام صرفاً تبلیغاتی هدف کارگزاران را «اجرای اصول ناتمام قانون اساسی» خواند. علیزاده طباطبایی، که از او به عنوان معاون حقوقی این باند نام برده شده در اواخر مهرماه در یک مصاحبه مطبوعاتی خاطر نشان ساخت: «نمایندگان مجلس ششم، اصل فراموش شده قانون اساسی در مورد برگزاری رفراندوم (همه پرسی) را احیا کنند... اگر برخی مراجع در مقابل مصوبه مجلس مقاومت کنند توصیه می‌کنم از ابزاری که قانون اساسی در اختیار مجلس قرار داده، یعنی رفراندوم (همه پرسی) استفاده شود». وی در پاسخی به پرسش خبرنگاران مبنی بر سیاست کارگزاران در انتخابات آتی ریاست جمهوری تاکید کرد: «هر جناحی که اکثریت مجلس هفتم را در اختیار داشته باشد، می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری نقش کلیدی ایفا کند...». و دقیقاً به دنبال این موضع گیری ها و مانورهای حساب شده است که، کارگزاران بی پرده و با صراحت از «جایگزینی در حاکمیت به هر وسیله» سخن می‌گویند. در اوایل مهرماه، در اوج تحرک رفسنجانی و باند کارگزاران، مراسمی با حضور تنی چند از رهبران این باند بعنوان مراسم بازگشایی دفتر استان تهران کارگزاران سازندگی برپا شد. در بازگشایی دفتر، علیزاده طباطبایی و نجفی سخنرانی کرده و پیام کرباسچی نیز قرائت شد. از جمله طباطبایی اعلام کرد: «امروز چپ و راست دیگر حرفی برای گفتن ندارند و کارگزاران تنها جایگزین برای حاکمیت است... اگر جایگزینی برای حاکمیت (دولت و مجلس) وجود داشته باشد، بهترین آن حزب کارگزاران خواهد بود.» وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «کارگزاران تنها گروهی هستند که تکنوکرات ها می‌توانند به آن امیدوار باشند». در مراسم مذکور پیام کرباسچی نیز قرائت شد که در آن در اشاره ای مستقیم به دولت، مجلس و ناتوان خواندن آنها از جمله گفته می‌شود: «علت فعال نشدن حزب در طول دوره گذشته این بوده است

که موقعیت کنونی بد است و هم اکنون زمان شعار دادن است، در حالی که ما (یعنی کارگزاران) مرد عمل هستیم».

نجفی نیز یادآور شد: «عبدالله نوری بهترین کاندیدای رئیس جمهوری دوره بعد است. قبول کاندیداتوری عبدالله نوری از سوی نظام، منوط به درک درست از تغییر چارچوب های رایج مملکت داری است... آنچه بر تمامی بحثها مقدم است، این است که چارچوب فعلی، اداره مملکت را غیر ممکن می‌کند و این «چارچوب» و نه «نظام جمهوری اسلامی» باید تغییر کند. پس از این موضعگیری ها، باردیگر عطربانفر در توضیح اهداف کارگزاران خاطر نشان ساخت: «مبانی سیاسی ثنوریک حزب در ارتباط با همگرایی با جهان معاصر و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی است».

معنای این به اصطلاح مبانی ثنوریک روشن است و دوران ریاست جمهوری رفسنجانی دوران آزمایش آنها بوده است. در یک کلام اجرای فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و عقد قراردادهای اسارت بار با انحصارات و تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم و در داخل نیز سکوت گورستانی! در تحرکات اخیر رفسنجانی و باند کارگزاران، هماهنگی و ائتلاف ناگفته و نانوشته (حداقل در ظاهر) با هیاتهای مولفه اسلامی به رهبری عسکراولادی به چشم می‌خورد. قراین نشان می‌دهد در پشت پرده توافقاتی صورت گرفته است، این سخنان عسکراولادی: «ما (هیاتهای مولفه) مخالف اصلاحات نیستیم، چنانچه «منافع ملی» اقتضاء کند، با آمریکا هم مذاکره می‌کنیم» مویذ این واقعیت است. همچنین در چند هفته اخیر که، جنبش دانشجویی تحرک دوباره ای پیدا کرد، رفسنجانی از سویی دست در دست ولی فقیه و فرماندهان سپاه مبتکر اعلام وضعیت فوق العاده بود و از جانب دیگر چهره متعادل کننده و حافظ کیان نظام را به خود گرفت، او در نماز جمعه ۸ آذرماه، در تهران، در ضمن توهین به جوانان و دانشجویان با این جملات که: «معلوم است که اینها از یک جا هدایت می‌شوند» و نظایر آن تاکید می‌کند: «همه باید هوشیار باشند و الان نمی‌خواهم از هیچ طرفی حمایت کنم، یا هیچ طرف خاصی را طرد بکنم... امیدوارم در آینده شاهد این گونه مخاصمه های بدو شوم و دشمن شادکن و دوست کش نباشیم... اگر هم انسان برخی از حرفها را داشته باشد، بگذارد برای بعد از اینها که مساله آمریکا را حل کرده باشیم...». رفسنجانی و کارگزاران در یک برنامه حساب شده و هدفمند و با بندبازی میان جناح های حکومتی و با بهره گیری از تزلزل و تسلیم طلبی هواداران خاتمی با استفاده از همه گونه شیوه ها، به سوی قدرت می‌خزند. این نیروی ضد مردمی و ضد ملی را باید افشاء ساخت و در رخدادهای کنونی کشور در کنار ولی فقیه زیر آتش حملات مداوم قرار داد. رفسنجانی و کارگزاران خطری جدی برای آینده میهن ما و سرنوشت مردم هستند!

ادامه دیداری دوباره با مبارزی ...

شکجه و در نتیجه عدم تحمل شرایط غیر انسانی زندگی را وداع گفتند کم نبودند اما آنچه که من و دیگر هم زنجیرهای مرا در برابر هرگونه توهین و شکجه به صبر و بردباری انقلابی فراخوانده است تنها امید بوده است... رفیق صفر با همین امید ما را وداع کرد. امید پیروزی خلق های قهرمان ما بر استبداد و ارتجاع. آرمان ها و اعتقادات انسانی و والای رفیق صفر در قلب میلیون ها ایرانی تشنه آزادی زنده است و می‌تپد و دیر نیست آن روزی که این امیدها تحقق یابد و در آن روز بی شک خاطره و یاد انسان های والا و از خود گذشته بی همچون رفیق صفر قهرمانان آن طور که شایسته زندگی و رزم آنهاست ارج گذاشته خواهد شد. یاد رفیق قهرمان صفر قهرمانان در خاطره نسل مبارز و آزادی خواه میهن ما زنده خواهد ماند و آرمان های او به دست توانمند کارگران و زحمتکشان میهن ما تحقق خواهد یافت. یادش گرامی و پاینده باد.

۲۱ آذرماه سالروز قیام تاریخی مردم آذربایجان

۲۱ آذرماه ۱۳۸۱، مصادف بود با پنجاه و هفتمین سالروز قیام تاریخی خلق آذربایجان بر ضد ستم ملی و ارتجاع برای دستیابی به حقوق ملی و رهایی از بندهای استبداد.

مبارزه تاریخی خلق قهرمان آذربایجان، به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان، جایگاه ویژه بی در مبارزات رهایی بخش میهن ما دارد. این مبارزه از همان آغاز نبردی بود برای دستیابی به برابری حقوق و یاری به مبارزه در راه تحقق دموکراسی در میهن ما. این ارزیابی تنها سخن حزب توده ایران و نیروهای چپ ایران نیست. در همان دوران کم نبودند نیروهای ملی و آزادی خواهی که به درستی از این نهضت ملی میهن ما دفاع کردند.

دکتر محمد مصدق، در جلسه ۱۹ دی ماه مجلس شورای ملی خطاب به نخست وزیر وقت، حکیمی از جمله گفت: "نظریات من این بود که بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با اهالی آنجا اختلاف افتاده است. باید با اهالی محل داخل مذاکره شد، شاید اختلاف را بتوان با خود آنها حل کرد...". و حزب ایران در همان دوران، در روزنامه "جبهه آزادی"، شهریور ماه ۱۳۲۵، چنین ارزیابی درستی را از نهضت ملی خلق آذربایجان ارائه داد: "ما نهضت دموکراتیک آذربایجان را برای سعادت خلق ایران لازم دیدیم. در همان موقع که دشمنان ایران حزب دموکرات آذربایجان را تجزیه طلب می کردند، ما راه خود را گرفتیم و هرگز فریب این نغمه ها را نخوردیم و نهضت دموکراتیک آذربایجان را اسلحه آزادی خواهان ایران شناختیم...". هم در آن دوران و هم پس از آن ارتجاع و نیروهای ضد مردمی، نهضت خلق آذربایجان را به تجزیه طلبی و وابستگی متهم کردند ولی امروز با اتکا به انبوه اسناد تاریخی روشن است که این مدعیات تنها بهانه بی برای سرکوب خونین و خشن این نهضت مردمی میهن ما بودند. دست آوردهای حکومت ملی آذربایجان، در دوران کوتاه حیاتش به گواهی انبوه اسناد تاریخی در تاریخ معاصر میهن ما کم نظیر است. اصلاحات ارضی به نفع دهقانان بی زمین، بهداشت و آموزش رایگان، اعطای حقوق برابر به زنان، برگزاری انتخابات آزاد، ایجاد انجمن های شهر و ولایت به شکل دموکراتیک و ایجاد انجمن های صنفی از جمله دست آوردهایی است که دولت ملی آذربایجان توانست در دوران حیاتش تحقق بخشد. حزب توده ایران در تمامی طول پنجاه و هفت سال گذشته دفاع از نهضت ملی آذربایجان و دفاع از تاریخ غرور آفرین خلق آذربایجان در راه تحقق حقوق ملی شان را وظیفه خود دانسته و می داند و اعتقاد عمیق دارد که تحقق دموکراسی و حکومت مردمی در ایران ارتباط گسست ناپذیری با حل مسأله ملی در چارچوب به رسمیت شناختن حق خود مختاری خلق های ایران، در چارچوب ایرانی آزاد و واحد دارد.

ما ضمن گرامی داشت این جنبش تاریخی و خلقی میهن ما به خاطر تابناک و جاودانه شهدای این جنبش که در راه آزادی خلق ها و دموکراسی میهن جان خود را فدا کردند، درود می فرستیم.

ادامه تأملی بر سخنان هشدار دهنده سخنگوی ارتجاع ...

مراتب از حضرت آیت الله یزدی بالاتر و استوارتر است و از نظر شخصیت، نیرو، امکانات و مدیریت، با صلابت بیشتری امور قوهی قضاییه را به پیش برده است. و سپس وی دربارهی اظهار نظر اخیر خاتمی مبنی بر این که رییس جمهوری باید سازوکارهای لازم را برای اجرای قانون اساسی در اختیار داشته باشد، ابراز عقیده کرد: «تمامی این ها بهانه است. در حال حاضر آقای خاتمی هیچ گرفتاریی ندارند جز آن که نمی توانند قوهی قضاییه را با یک اقتدار علمی، حقوقی و حقیقی تحمل کنند. آقایان قانون اساسی را قبول ندارند تا برای نقض آن دلشان بسوزد. آقای رییس جمهور می خواهند با جملهی "مسئولیت اجرای قانون اساسی"، مسئولیت تفسیر قانون اساسی را نیز در مواردی که به نظرشان می رسد، بر عهده بگیرند و این عین استبداد است، گرچه این استبداد بزرگ کرده باشد...» و بالاخره شاه بیت این افاضات تاریخی فاکر که می گوید: «یقین بدانید آقای خاتمی با دار و دسته اش از بین می رود، زیرا اسلام از این ها قوی تر است... این انقلاب چیزی نیست که توسط خاتمی، عبدی و بهزاد نبوی این ها از بین برود. این ها بالاخره نوبت شان تمام می شود و مثل بنی صدر کنار می روند...»

سخنان فاکر در زمینه شناسایی عرصه های تعیین کننده برخورد های کنونی و موضع گیری او و هفکرانش روشن تر از آن است که نیازی به توضیح و تفسیر اضافی داشته باشد. مسأله اساسی در این موضع گیری و مواضع مشابهی که مردم ما در هفته های اخیر شاهد آن بوده اند زمینه سازی ارتجاع حاکم برای تکرار سرکوب خونین و وسیع مخالفان خود در دهه ۱۳۶۰ است. اشاره فاکر به دوران بنی صدر، که سرآغاز سرکوب وسیع رژیم ولایت فقیه بر ضد دگراندیشان بود، نمی تواند اتفاقی باشد. همه اخبار حکایت از تدارک وسیع نیروهای سرکوبگر برای درهم کوبیدن نیروهای دگراندیش دارد. رژیم در هفته های اخیر، خصوصاً در پی تظاهرات وسیع دانشجویان در مراکز آموزشی مختلف کشور، دریافته است که با گذشت زمان، جنبش مردمی رادیکالیزه می شود و می تواند به سرعت با حرکت به سمت سازمان دهی خود خطراتی جدی را برای ادامه استبداد فراهم آورد. در عین حال حوادث هفته های گذشته همچنان نشان داده است که بخش هایی از نیروهای مدافع اصلاحات در درون حاکمیت با رسیدن به ارزیابی های واقع بینانه تری از عدم امکان تحول در چارچوب رژیم ارتجاعی ولایت فقیه به سرعت از مرزهای «خودی» تعریف شده عبور می کنند و به نیروهای «معارض» و «غیر خودی» تبدیل می شوند. افزون بر این بهانه تحولات بین المللی در حاشیه مرزهای ایران و امکان حرکت های مداخله جویانه نیز نمی تواند در توجیه تصمیم گیری سران رژیم برای سرکوب خشن و کامل جنبش بی تأثیر باشد. آنچه که در این زمینه برای جنبش مردمی و نیروهای آزادی خواه میهن ما اهمیت دارد، ادامه و تشدید مبارزه بر ضد ارتجاع حاکم است. سازمان دهی وسیع توده های ناراضی، جوانان، دانشجویان، کارگران و زحمتکشان و همچنین زنان دلیر و آزاده میهن ما یگانه راه مطمئن رسیدن به پیروزی برای جنبش اصلاحات در میهن ماست. کاری که در انجامش تاکنون شدیداً تأخیر شده است و دیگر تأخیر در آن برای تاریخ بخشودنی نیست این است که ناقوس اتحاد با تمام نیرو باید به صدا درآید و همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و مدافع استقرار یک حکومت مردمی با کنار گذاشتن اختلافات دیدگاهی و سازمانی - حزبی خود در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری گرد هم آیند و امر مهم مبارزه برای رهایی میهن از چنگال استبداد را متحداً به پیش ببرند. تعلل و مماشات در این اوضاع حساس و وخیم می تواند عواقب فاجعه باری برای میهن ما به همراه داشته باشد. جنبش مردمی میهن ما از توان نیرومندی برای درهم شکستن جبهه واحد ارتجاع برخوردار است. این جنبش را باید سازمان دهی و منسجم کرد.

ادامه توطئه بر ضد رئیس جمهوری . . .

آمریکا در خاورمیانه جنگ می خواهد!

همزمان با ارائه گزارش اولیه هیئت ناظران تسلیحاتی سازمان ملل متحد از عراق ، ایالات متحده و انگلستان ، بدون در نظر گرفتن مفاد ، لحن و نتیجه گیری این گزارش خود را آماده حمله به عراق می کنند . بنا به گزارش روزنامه "میرور" چاپ انگلستان روز ۳۰ آبان ماه (۲۱ نوامبر) ، یکی از مشاوران اصلی جورج بوش اعلام کرده است که چه ناظران تسلیحاتی سازمان ملل متحد موفق شوند و چه موفق نشوند ، دولت بوش سرانجام بهانه بی را ، هر بهانه بی که باشد ، خواهد یافت تا بتواند به عراق حمله کند . بنا به همین گزارش "ریچارد پرل" مشاور اصلی بوش ، به تعدادی از نمایندگان مجلس انگلستان گفته است که حتی اگر "هانس بلیکس" ، سرپرست هیئت بازرسی تسلیحاتی سازمان ملل متحد ، با پرونده بی "بدون نقص و کمبود" از عراق برگردد ، مشکل نخواهد بود تا کسی را در عراق پیدا کرد که ادعا کند که دولت صدام دارای سلاح کشتار جمعی است . این ادعا چه واقعی باشد چه غیر واقعی ، کافی خواهد بود تا آمریکا وارد جنگ شود .

در تأیید این سخنان ، در روز ۱۸ دسامبر و پیش از اعلام نتیجه بازرسی ها از عراق ، بنا به گزارش "نیویورک تایمز" پنتاگون با اعزام نیروی ۵۰ هزار نفری به خلیج فارس موافقت کرد . در لندن نیز تونی بلیر ، اعلام کرد که وزارت دفاع انگلستان برنامه اعزام نیرو به خلیج فارس را برای شرکت در یک حمله احتمالی آغاز کرده است . (نیویورک تایمز ، ۲۸ آذرماه ، ۱۹ دسامبر) . در تلاش برای آغاز جنگ ، آمریکا دست به هر کاری می زند تا بتواند متحدین و پایگاه های بیشتری را بدست آورد ، از تهدید و تحت فشار قرار دادن عربستان برای سکوت این کشور در برابر حمله احتمالی آمریکا به عراق گرفته تا دادن وعده و قول به ترکیه برای وارد شدن به اتحادیه اروپا .

در جریان اجلاس جدید اتحادیه اروپا ، در کپنهاگ ، در هفته آخر آذرماه بر رغم فشار دیپلماتیک آمریکا و انگلیس برای قبول کاندیداتوری ترکیه ، رهبران اروپایی در حالی که عضویت ۱۰ کشور جدید را تصویب کردند ، عضویت ترکیه را موکول به آینده و منوط به قبول شرایط ویژه ای کردند . اتحادیه اروپا به دولت جدید ترکیه رهنمود های مشخصی داد که بر اساس آن این عضو ناتو در صورت ایجاد تغییرات سیاسی "مورد نظر" ، در آینده وارد اتحادیه اروپا شود . یک هفته پیش از اجلاس کپنهاگ ، دولت ترکیه اعلام کرد که پایگاه های نظامی خود را برای حمله به عراق ، در اختیار آمریکا قرار خواهد داد . بنا به گزارش "نیویورک تایمز" این اقدام ترکیه باعث شده تا روابط این کشور با آمریکا وارد مرحله جدیدی شود و دولت بوش از تمامی امکانات خود برای پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا استفاده کند . در همین راستا ، جورج بوش ، از "رجب اردوغان" دعوت کرد تا دیداری از واشنگتن داشته باشد . "جک استراو" وزیر امور خارجه انگلستان نیز پیش از این اجلاس ، در آنکارا با "احمد نجدت سزر" رئیس جمهور ، "رجب طیب اردوغان" رهبر حزب "عدالت و توسعه" و "یاشار پاکیش" وزیر امور خارجه ترکیه به طور جداگانه دیدار کرد و در مورد مسائلی مربوط به اتحادیه اروپا و حمله احتمالی به عراق ، به مذاکره پرداخت . تونی بلیر ، نخست وزیر انگلستان ، نیز که از ورود ترکیه به اتحادیه اروپا کاملاً حمایت کرده است ، گفت اگر ترکیه بتواند خواست های سیاسی اتحادیه اروپا را عملی سازد می توان به طور یقین مذاکرات ورود ترکیه را زودتر از دسامبر ۲۰۰۴ آغاز کرد .

اتحادیه اروپا در حال حاضر به دلیل عدم ثبات سیاسی و اقتصادی در ترکیه چندان تمایلی برای ورود این کشور به این کلوپ سرمایه داری اروپا ندارد . این در حالی است که ایالات متحده تلاش می کند تا با بدست آوردن همکاری ترکیه بتواند از امکانات این کشور برای حمله به عراق استفاده کند . ترکیه از نظر سوق الجیشی بهترین شرایط را برای عملیات نظامی آمریکا دارد و جلب نظر این کشور به عنوان یک عضو ناتو و در همسایگی عراق اهمیت ویژه بی برای آمریکا دارد . در همین راستا کوشش ایالات متحده و متحدان ناتوی آن برای تحمیل یک راه حل ناقص برای خاتمه بخشیدن به معضل اشغال شمال قبرس توسط ترکیه که در درجه اول متوجه تأمین منافع این کشور می باشد ، قابل توجه است . ایالات متحده ، و انگلستان با برخی تردیدهایی که محصول مخالفت وسیع افکار عمومی با سیاست دولت در این رابطه می باشد ، تصمیم قطعی حمله به عراق را گرفته است . این نه تنها بستگی به گزارش کارشناسان تسلیحاتی سازمان ملل در رابطه با وجود و یا عدم وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق ندارد بلکه فقط متکی به شرایط و زمان لازم برای تدارک چنین حمله ای است . آمریکا برای خروج از تنگناهای اقتصادی و سیاسی و برای به دست آوردن سرکردگی جهانی و تثبیت نظم نوین جهانی در خاورمیانه ، این جنگ را ضروری می داند . جنگی که در واقع نوعی قدرت نمایی و تهدید دیگران به عواقب مخالفت با طرح های امپریالیستی است . قدرت نمایی آمریکا در واقع تهدید سایر کشور های جهان است که در صورت مخالفت با آمریکا و به خطر انداختن منافع آن به سرنوشتی مشابه عراق دچار خواهند شد . افزایش نجومی بودجه نظامی آمریکا و فعال تر شدن برنامه های نظامی "سیستم دفاع ضد موشکی" ، ادامه برنامه جنگ ستارگان" و اعزام نیروهای نظامی به گوشه و کنار جهان ، از نمونه های بارز این حرکت هستند .

هاینز دیتیریش ستفان در مقاله ای پیرامون تولید مواد مخدر و افشای نقش ایالات متحده آمریکا در نشریه بولتن خبری "نارکو" به قانون اساسی بولیواری ونزوئلا (سیمون بولیوار بعنوان پدر جنبش استقلال طلبی آمریکای جنوبی شناخته شده است) اشاره می کند و اعتقاد دارد که این قانون دموکراتیک ترین قانون اساسی در سراسر آمریکای جنوبی بشمار می رود . در این قانون تبصره ای وجود دارد که اجازه می دهد برای تأیید یا رد دولت فراندومی (که طبق قانون اساسی موعود آن در ماه شهریور سال آینده خواهد بود) برگزار شود . اما کودتاگران نمی توانند تا آن زمان صبر کنند . چرا؟ به گفته ستفان نیروهای ضد انقلابی از مستحکم شدن و تثبیت قدرت جنبش بولیواری وحشت دارند . در ماه آینده قرار است چند قانون از جمله طرح اصلاحات ارضی فراگیر و طرح های سامان دهی اقتصادی دیگرمانند "قانون هیدروکربن" به مرحله اجرا درآیند . به گفته ستفان این قانون راه را برای تجزیه مجتمع فاسد "پی . دی . وی . اس . ا" که شریان اقتصادی کشور را در اختیار دارد و بخش جدایی ناپذیر نظم نوین جهانی در زمینه انرژی جورج بوش است ، هموار خواهد کرد . کشور ونزوئلا روزانه بیش از یک میلیون بشکه نفت صادر می کند اما فقط ۲۰ درصد درآمدها آن نصیب ونزوئلا میشود و هشتاد درصد دیگر به سود نخبگان ونزوئلا می رود . در سال ۱۹۷۴ ، ۸۰ درصد درآمدها نفت به دولت تعلق می گرفت .

حزب کمونیست ونزوئلا در بیانیه دیگری هشدار داد که قانون اساسی در معرض خطری جدی است و داشتن توهم "مصالحه" با کودتاگران تنها عناصر کودتاگر را خشنود خواهد ساخت . "بیانیه ادامه می دهد" این روند نشان دهنده جدال برای گرفتن قدرت است و دانستن این باید برای ما کاملاً روشن باشد . "در ادامه می نویسد اکنون دشمنان به "درگیری های کم شدت" که نخستین بار در دوران ریاست جمهوری ریگان برای بی ثبات کردن نیکاراگوئه و دولت ساندرنیست بکار گرفته شد روی آورده اند . در قانون این درگیری ها امپراطوری ایالات متحده آمریکا علیه سرزمین بولیوار قرار دارد . این بیانیه دولت بوش را به دخالت مستقیم برای نابودی جنبش های بولیواری در آمریکای لاتین تحت عنوان مبارزه با "تروریسم" و تولید مواد مخدر" که در قطعنامه کنفرانس "سانتا فی" منعقد شده متهم می کند . در تاریخ ۱۸ نوامبر سال جاری دونالد رامسفیلد ، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در اجلاسیه وزیران دفاع کشورهای نیم کره غربی در شهر سانتیاگو پایتخت شیلی خواستار بنیان گذاری طرح دخالت نظامی ایالات متحده آمریکا در سراسر آمریکای لاتین شد . تحت عنوان مهار کردن "تروریسم" و مبارزه با "تولید و فروش مواد مخدر" وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا از دیگر وزیران دفاع درخواست کرد که همکاری های خود را با پنتاگون محکم تر کنند و برای این منظور ابتدا با عملیات مشترک نیروی دریایی کشورهای عضو آغاز کنند . حزب کمونیست ونزوئلا به نامه هنری هاید نماینده کنگره ایالات متحده به بوش اشاره کرد . در این نامه از بوش خواسته شده که "محور شیطانی قاره آمریکا" را که باید شامل کشورهای کوبا ونزوئلا و برزیل باشد ، اعلام کند . آقای هاید ، رئیس کمیسیون روابط بین المللی کنگره این نامه را چند روز پیش از انتخابات ۲۷ اکتبر در برزیل نوشت . ایناسیو "لولا" دسیلوا عضو سندیکای کارگران فلزکار با ۶۱ درصد آرا به ریاست جمهوری رسید . هوگو چاوز نیز با دوبرای گیری با رای بالا انتخاب گردید . آقای هاید به دروغ "لولا" را متهم کرد که او در پی تبدیل برزیل به یک قدرت اتمی است او به همین ترتیب چاوز را به نقض قانون اساسی و هم کیش سازمان دهندگان تروریسم شامل کوبا ، عراق و ایران کرد . هاید در این نامه می نویسد "زمان آن رسیده که دولت بوش همدردی خود را با این کودتای دوم نفت اعلام نماید . نامه هاید نشان می دهد که اگر بوش در نقشه خود برای حمله به عراق موفق شود بدون شک آمریکای جنوبی هدف بعدی خواهد بود .

توطئه کودتا بر ضد رئیس جمهوری منتخب

مردم ونزوئلا

*** مردم در مخالفت با کودتاجیان به خیابانها سرازیر شده اند**

*** يك نماینده اپوزیسیون ارتجاعی در پارلمان، در يك مکالمه تلفنی در رابطه با برنامه ریزی کودتا اظهار کرده است که، کودتاجیان برای پیروزی خود حتی حاضر به خونریزی و قتل عام مردم هم هستند.**

*** دولت برای حمایت و کمک به مردمی که به دلیل اعتصابات دچار مشکلات می شوند، در مراکز شهرهای بزرگ غرفه های کمک رسانی ایجاد کرده است.**

فشار محافل ارتجاعی که از سوی ایالات متحده آمریکا حمایت می شوند برای سازمان دهی سرنگونی رئیس جمهوری قانونی و منتخب مردم ونزوئلا وارد مراحل نهایی خود شده است. کودتا چنان روز ۳ دی ماه را به عنوان روز تعیین تکلیف نهایی اعلام کرده اند. انگلستان و ایالات متحده با اعلام وجود شرایط اضطراری در این کشور و اقدام به خارج کردن اتباع خود از ونزوئلا عملاً سعی در تعمیق و گسترش بحران کرده اند.

مخالفان که ترکیب نا متجانسی از بورژوازی ونزوئلا، رهبران ارتجاعی اتحادیه های کارگری و تشکل های مدنی می باشند، عمدتاً از سوی طبقات مرفه و متوسط حمایت می شوند و هوگو چاوز را متهم به ویران کردن اقتصاد، دامن زدن به جنگ طبقاتی در کشور و اعمال دیکتاتوری کمونیستی در کشور کرده اند. اعتصاب در صنعت نفت که از طریق زد و بند های رهبران خائن اتحادیه های کارگری ممکن شده، نزدیک به چهار هفته ادامه داشته و موجب تعطیلی موسسات تولیدی، ایجاد شرایط روانی ویژه در جامعه و ایجاد صف های طولانی اتومبیل ها و تریلر های حمل و نقل مواد در مقابل پمپ بنزین ها شده است. رهبران نیروهای اپوزیسیون با رد حکم دیوان عالی کشور که در روز ۲۸ آذر ماه رای به خاتمه اعتصاب و شروع تولید داده است، مصمم بودن خود را به ادامه این اعتصاب فلج کننده به نمایش گذاشتند. تولید نفت ونزوئلا به يك دهم میزان معمول خود رسیده و عملاً هر روزه ده ها میلیون دلار به اقتصاد کشور که در بحران بسر می برد، خسارت وارد می شود. خوزه وینسنت منگل، معاون رئیس جمهوری، و از چهره های اصلی انقلاب بولیواری اخطار کرد که: "حکم دادگاه عالی بسیار روشن است. آن ها باید به سر کار برگردند. اگر این کار را نکنند با تنبیهات سختی مواجه خواهند شد." دولت برای حمایت و کمک به مردمی که به دلیل اعتصابات دچار مشکلات می شوند، در مراکز شهرهای بزرگ غرفه های مراکز کمک رسانی ایجاد کرده است. که اینها شامل فروش مواد غذایی با ۳۵ درصد تخفیف و کمکهای رایگان پزشکی و سایر کمکهای خدماتی دیگر می باشد. یکی از این مراکز در خیابان اصلی پایتخت احداث شد. هواداران و حمایت کنندگان دولت ونزوئلا با شرکت در تظاهرات در پایتخت و شهرهای بزرگ این کشور پشتیبانی خود را از رئیس جمهوری و دولت قانونی اش اعلام می کنند. وزرای کشور و دادگستری در ادامه حرکات اعتراض آمیز مردم بر ضد کودتاجیان، که تنها اقلیتی را تشکیل می دهند، حمایت خود را از مردم اعلام کردند. نمایندگان مجلس "جنبش جمهوری پنجم" با مقاومت و اعتراض مردم بر ضد کودتاجیان اعلام همبستگی کردند. در رابطه با برنامه ریزی کودتا، يك نماینده اپوزیسیون در پارلمان بنام هنریکه سالاس فنو در يك تماس تلفنی جزئیات کودتا را افشاء کرده است. دو قاضی عالی رتبه به علت عمق ماهیت خیانتکارانه توطئه بر ضد دولت و مردم تقاضای اخراج این نماینده از پارلمان را کرده اند. در این گفتگوی تلفنی افشاء شده تصریح می شود که کودتاجیان برای پیروزی خود حتی حاضر به خونریزی و قتل عام مردم هم هستند.

احزاب کمونیست جهان با درک ماهیت واقعی اقدامات کودتاجیان و مداخله وقیحانه دولت ایالات متحده در تحولات ونزوئلا، که شباهت های غیر قابل انکاری با کودتای خونین سپتامبر ۱۹۷۳ در شیلی بر ضد سالوادور آلنده، رئیس جمهور محبوب شیلی دارد، در روز های اخیر با صدور بیانیه هایی حمایت خود از دولت قانونی هوگو چاوز و مخالفت با کودتا چیان را اعلام کرده اند. در مقاله ذیل به نقل از "هفته نامه جهان مردم"، ارگان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، برای درس گیری و تجربه آموزی جوانی از تحولات اخیر ونزوئلا را به نظر خوانندگان نامه مردم می رسانیم.

روز هفدهم آذرماه دو میلیون نفر از مردم ونزوئلا برای دفاع از قانون اساسی و متوقف ساختن دومین کودتا برای سرنگونی هوگو چاوز رئیس جمهور این کشور در شهر کاراکاس به راهپیمایی پرداختند. این راهپیمایی در رسانه های گروهی ایالات متحده آمریکا گزارش نشد. نشریه "تریبونا پاپولا" ارگان حزب کمونیست ونزوئلا گزارش داد که مردم با خشم و هوشیاری علیه "اعتصاب عمومی" یا در واقع علیه باز داشتن کارگران از کار توسط صاحبان مرفه موسسات تولیدی و پشتیبانی رسانه های خصوصی در این تظاهرات شرکت کردند. زمانی که بی اثری عمل جلوگیری اجباری از ورود کارگران به کارخانه ها احساس شد ناخدایان هفت کشتی نفتکش اقدام به تصرف کشتی ها کرده و صنایع حیاتی نفت ونزوئلا را فلج کردند. بنابر گزارش این نشریه هوگو چاوز مبادرت به اعزام تفنگداران برای به راه انداختن دوباره کار کشتی ها کرد، لیکن کارکنان کشتی گفتند فقط کشتی ها را به کارشناسان تحویل خواهند داد. هزاران تن از طرفداران چاوز با محاصره مجتمع لاکامینا که به شرکت دولتی نفت ونزوئلا تعلق دارد و بنام "پی. دی. وی. اس. ا. کارشناسان تحویل خواهند داد. هزاران تن دیگر دفاتر ایستگاه های تلویزیونی را به سبب نقش (PDVSA) مشهور است موجب جلوگیری از اشغال تأسیسات از سوی عناصر کودتا گردیدند. هزاران تن دیگر دفاتر ایستگاه های تلویزیونی را به سبب نقش ویرانگرشان در سازمان دهی اعتصاب علیه چاوز و قانون اساسی به محاصره خود درآوردند. روز ۱۶ آذرماه در جریان تظاهراتی که از سوی مخالفین چاوز برپا شده بود فرد مسلح ناشناسی در میان جمعیت آتش گشود که به کشته شدن سه تن و مجروح شدن بیست و هشت تن انجامید. این عمل تحریک آمیز دستاویزی برای نیروهای راست گرا شد که از "سازمان دولت های قاره آمریکا" بخواهند تا علیه رئیس جمهور مداخله نمایند. دبیر کل این سازمان هم اکنون برای رسیدگی در کاراکاس بسر می برد. رئیس جمهوری در اعلامیه ای که روز ۱۴ آذرماه منتشر شد گفت "ما باید باردیگر خود را برای دفاع از قانون اساسی آماده کنیم توطئه ای در حال تکوین است که قصد دارد با استفاده از هر حربه ای دولت ملی را ساقط کند." او همچنین اعلام کرد که به گارد ملی دستور داده است برای دوباره براه انداختن چرخ های تولید از کارکنان میهن پرست حمایت نمایند.

يك گروه از سندیکاهای کارگری در منطقه کاراپوپو اخطار کرد "آن گروه هایی که بهر قیمتی قصد دارند این اعتصاب را به مدت نامعلومی ادامه دهند می خواهند اوضاع را به اغتشاش، بی ثباتی، کمبود مواد غذایی و محصولات بکشاند و سپس مردم در نتیجه کمیابی ضروریات زندگی در شهر دست به قیام بزنند تا کارخانه ها و توزیع محصولات از کار بیافتند و تولید شرکت نفت "پی. دی. وی. اس. ا." به ایست کامل برسد." گروه اتحادیه کارگری از دولت درخواست کرد که "مردم را برای مقابله با این اعتصاب کودتایی بسیج نماید و همچنین رهبران اصلی اعتصاب را بنام های کارلوس فرناندس و کارلوس ارتگاریس اطاق بازرگانی ونزوئلا و رهبر کودتای نافرجام فروردین ماه که از حمایت آشکار و نهان دولت بوش برخوردار بود دستگیر نماید. اعتراض میلیون ها ونزوئلایی سبب شد که کودتای قبلی به شکست بیانجامد و هوگو چاوز را به کاخ ریاست جمهوری و مجدداً به مقام پیشین بازگرداند.

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 650
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

24th December 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک